



چشم اندازی نظری به تحلیل طبقاتی و توسعه

نویسنده: دکتر عماد افروغ

ناشر: مؤسسه فرهنگ و دانش، ۱۸۳ صفحه

صبا نوری

کرده است تا نارسایی‌های تحلیل مارکسی را در مورد خاورمیانه آشکار ساخته و در عوض چارچوب نظری پیشنهادی خود را، عمدتاً متأثر از مانفرد هالپرن، جایگزین نماید. این تحلیل را می‌توان به رویکرد وبری که عمدتاً قدرت محور است، نزدیک دانست.

وی با توجه به ویژگی‌های تاریخی خاص خاورمیانه در سازوکار رابطه‌ی سه گروه، طبقه و ابزار تولید، طبقه و قدرت، طبقه و گروه، نقش اول را به روابط و گروه‌های قدرت می‌دهد. نویسنده در مقاله‌ی خود به پیوند و اتصال شغل و قدرت و عدم شکل‌گیری گروه‌ها و انجمن‌های سازمان‌دهی شده و رسمیت یافته مبتنی بر سازوکار رقابت در جوامع خاورمیانه اشاره دارد و به گروه‌های غیر آشکار و غیر رسمی، محفل‌ها، باند بازی‌ها، بده بستان‌ها، بی‌قانونی‌ها، نفوذهای سیاسی و شخصیت‌گرایی توجه می‌کند.

مقاله‌ی «دین و قشربندی اجتماعی»، ناظر به رابطه‌ی پایگاه اقتصادی- اجتماعی افراد و اقشار مختلف اجتماعی با گرایش‌های دینی است. در این مقاله سعی شده است تا با مرور بر تعاریف و کارکردهای مختلف و واکوی دیدگاه‌های مختلف در خصوص رابطه‌ی فوق، یک جمع‌بندی روشن به ویژه در مورد اقشار پایین جامعه به دست آید. نویسنده در ابتدای مقاله، چند تعریف از دین ارائه می‌کند و کارکردها، نظریه‌های مربوط به دین و سازمان‌های گوناگون دینی را توضیح می‌دهد. وی سپس به تشریح رابطه‌ی پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد با گرایش‌های دینی می‌پردازد.

هرچند مسئله‌ی فقر و نابرابری اجتماعی، ریشه‌ها، پیامدها و ارتباط آن با سایر مطبوعات و پدیده‌های اجتماعی جزء دغدغه‌های دیرینه‌ی بشری است، اما مفهوم «طبقه اجتماعی» و تحلیل طبقاتی در تبیین ریشه‌های فقر و نابرابری اجتماعی، پدیده‌ای معاصر بوده است. در یک تقسیم‌بندی کلان می‌توان رویکردهای طبقاتی را به دو دسته‌ی «کارکرد گرایی» و «قدرت» دسته‌بندی نمود.

کتاب چشم اندازی نظری به تحلیل طبقاتی و توسعه، حاوی دو بخش است. بخش اول شامل مباحث مربوط به تحلیل طبقاتی، فقر و رابطه‌ی قشربندی اجتماعی با گرایش‌های دینی است و بخش دوم ناظر به مباحث مربوط به توسعه و رویکردهای متخلف آن، پیامد شهری این رویکردها و عوارض توسعه‌ی صنعتی است. کتاب پیش رو توسط دکتر عماد افروغ تألیف و به همت مؤسسه‌ی فرهنگ و دانش با تیراژ ۳۰۰۰ جلد و قیمت ۱۳۰۰ تومان منتشر شده است.

بخش اول کتاب از سه مقاله تشکیل شده است و بخش دوم نیز با سه مقاله به نقد و بررسی رویکردهای مختلف توسعه می‌پردازد.

مقاله‌ی اول تحت عنوان «تحلیل طبقاتی و دیالکتیک‌های نوسازی در خاورمیانه»، توسط جیمز بیل نوشته شده است. در این مقاله امکان به کارگیری مفهوم طبقه‌ی اجتماعی و تحلیل طبقاتی در حوزه‌ی خاورمیانه، از جمله ایران با دقت و تیزبینی خاصی بررسی می‌شود و ضمن اشاره به نقش و اهمیت گروه‌های غیر آشکار و غیر تأسیسی، سیالیت نظام‌های طبقاتی را مورد بحث قرار می‌گیرد. نویسنده سعی

محرکه‌ی تغییر و تحولات اجتماعی محسوب شوند. هر جامعه‌ای با توجه به ویژگی‌های تاریخی خود از یک نظام اجتماعی برخوردار است. در تحلیل عقب ماندگی، هم باید به عوامل داخلی نظام اجتماعی هم به عوامل و ارتباطات خارجی و هم به نحوه و مکانیزم ارتباط بین عوامل داخلی و خارجی توجه داشت.

نفوذ استعمار و اشکال متفاوت سرمایه‌داری غرب را تنها نمی‌توان در بعد اقتصادی جوامع جهان سوم مورد مطالعه قرار داد، بلکه این نفوذ برای تحقق بخشیدن به اهدافش نیازمند اهرم‌های سیاسی و فرهنگی متناسب با اهداف اقتصادی خود و ایجاد تغییر در عناصر سیاسی و فرهنگی نظام اجتماعی جوامع جهان سوم نیز هست. غرب برای تحقق منافع خود در جوامع دیگر، ابتدا سعی دارد به طور روزافزون دامنه‌ی نفوذ سیاسی خود را چه به صورت نفوذ در دستگاه سیاسی ملی، چه به صورت اداره‌ی مستقیم جامعه و چه به صورت ایجاد یک دستگاه به ظاهر ملی اما وابسته گسترش دهد. استعمار فرهنگی و آموزشی نیز در کنار سیاست‌های اقتصادی، از گذرگاه دستگاه سیاسی وابسته وارد میدان می‌شود و در نتیجه وابستگی و عقب‌ماندگی روزافزون به وجود می‌آید.

یکی از معضلات شبکه‌ی شهری کشور، زنجیره‌ای بودن آن و ظهور یک مادر-شهر و چند شهر اصلی در این شبکه‌ی شهری است. در مقاله‌ی «شهری شدن و توسعه» به ارزیابی و نقد نظریه‌های شهری مربوط به دیدگاه‌های مختلف توسعه پرداخته می‌شود که این امر به فهم و درک بیشتر این شبکه‌ی شهری و ریشه‌ها و پیامدهای آن کمک می‌کند. این نظریه‌ها را می‌توان در چهار گروه قرار داد: ۱- نظریات شهری مرتبط با دیدگاه نوسازی ۲- نظریات شهری مرتبط با دیدگاه وابستگی ۳- نظریات شهری مرتبط با دیدگاه صورت‌بندی اجتماعی ۴- نظریه شهری مرکز-پیرامونی

«هزینه‌های دگرگونی اجتماعی» مقاله‌ی پایانی بخش دوم است. «استیون ویگو» نویسنده‌ی این مقاله با اشاره به الگوی غالب پیشینه-سازي توسعه‌ی اقتصادی در غرب هزینه‌های تغییرات اجتماعی را از زوایای گوناگونی مانند: هزینه‌های اقتصادی، هزینه‌های محیطی، هزینه‌های اجتماعی، هزینه‌های محیطی و اجتماعی، هزینه‌های مبادله‌ای و هزینه‌های روان‌شناختی مورد بررسی قرار می‌دهد. وی اظهار می‌دارد که امروزه الگوی پیشینه‌سازي توسعه‌ی اقتصادی جای خود را به الگوی بهینه‌سازي توسعه، یعنی نرخ مناسب رشد برای یک جامعه داده است. بدین معنا که الگویی را باید دنبال نمود که با توجه به برآورد سود و هزینه، بیشترین کارایی یا کمترین هزینه را داشته باشد. این هزینه‌ها صرفاً اقتصادی نبوده و هزینه‌های محیطی، اجتماعی و روانی را نیز دربر می‌گیرد.

و بر در مقاله‌ای تحت عنوان روان‌شناسی اجتماعی ادیان جهانی به ارتباط بین تعین دینی سلوک زندگی و اخلاق اقتصادی، تأثیر گرفتن شیوه‌ی زندگی دینی از عوامل اقتصادی و سیاسی و تفاسیر مجدد از دین منطبق با نیازهای اجتماعات دینی پرداخته و اظهار می‌دارد که تعین دینی سلوک زندگی تنها یکی از عوامل تعیین کننده‌ی اقتصادی است. شیوه‌ی زندگی دینی نیز به نوبه‌ی خود عمیقاً متأثر از عوامل اقتصادی و سیاسی است که در یک محدوده‌ی جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی و ملی عمل می‌کند. و بر معتقد است که ما نمی‌توانیم تمام این وابستگی‌ها را نشان دهیم، تنها می‌توانیم عناصر جهت دهنده‌ی از سلوک زندگی آن اقشار اجتماعی را که قویاً اخلاق عملی ادیان خود را متأثر می‌سازد، مشخص کنیم. از نظر وی دلیلی ندارد که بر یک قشر خاص تمرکز کنیم، اقشاری که در برچسب زدن وجوه خاص بر یک اخلاق اقتصادی نقش تعیین کننده دارند، ممکن است در طی تاریخ تغییر کنند.

مقاله‌ی پایانی بخش اول تحت عنوان «درآمدی بر تحلیل جامعه‌شناختی فقر»، به فقر عمدتاً یک نگرش اجتماعی دارد و به دنبال پیدا کردن ریشه‌های ظهور، عوارض و پیامدهای پدیده‌ی فقر است.

سه دیدگاه کلی در مورد تحلیل جامعه‌شناختی فقر مطرح می‌شود. یک دسته‌ی معروف به فرهنگ‌گرایان، فقر را به انگیزش‌ها، الگوهای رفتاری و نگرش‌های فرهنگی طبقات پایین برمی‌گردانند که نسل به نسل به آنها انتقال یافته است. از منظر این چشم‌انداز، فقرا مسئول فقر خود محسوب می‌شوند.

دسته‌ی دیگر معروف به موقعیت‌گرایان، برعکس ریشه‌ی فقر را به موقعیت‌های ساختاری و فقدان فرصت‌های لازم برای اتقا فقرا برمی‌گردانند. از این منظر این موقعیت ساختاری «فقر» است که باید دچار دگرگونی شود و نه خرده فرهنگ‌های آن.

دسته‌ی سوم که معروف به چشم انداز ربطی است از منظر کنش متقابل بین فقرا و غیر فقرا به مسئله‌ی فقر می‌نگرد. از این منظر تصویری که جامعه و غیر فقرا به «فقرا» دارند. نقش اساسی در پیدایش فقر و این‌که عده‌ای خود را فقیر پندارند، دارد. به عبارت دیگر چون مردم همواره خود را در آیین‌های قضاوت دیگران می‌بینند، لذا ارزیابی و قضاوت دیگران نقشی مهم در تصور «فقیر پنداری» افراد از خود دارد.

در نخستین مقاله‌ی بخش دوم، تحت عنوان «نقد و بررسی رویکردها و نظریه‌های عمده‌ی توسعه»، ابتدا دیدگاه‌های متداول توسعه و توسعه نیافتگی، یعنی نوسازی، وابستگی و صورت‌بندی اجتماعی مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد و سپس چارچوب نظریه‌ی پیشنهادی متنی بر نظام اجتماعی ارائه می‌شود.

هر نظام اجتماعی متشکل از عناصر سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. این عناصر به یکدیگر مرتبطند و هر کدام می‌توانند قوه‌ی